

**The Revival of Russian National Identity in the Cultural
Dimension: Explanation of Putin's Actions
Elaheh Karimi Riabi***

Assistant Professor, Department of Russian Studies, Faculty of
World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Ghazal Saberi

M.A. in Russian Studies, Faculty of World Studies, University of
Tehran, Tehran, Iran

(Date received: 21 January 2024 - Date approved: 19 March 2025)

Abstract

Introduction: The issue of national identity has always been a fundamental concern among the Russian people and policymakers. Russia has enjoyed a stable national identity that has been sought throughout different periods of Russian history. With the collapse of the Soviet Union, national identity gained more traction among Russians. Given the vast territory and diversity of ethnicities and religions, the lack of a stable national identity could have led to separatist conflicts that would have brought the country to the brink of dissolution. To reverse the situation, Russia needs a strong leadership that can restore the country's damaged identity, greatness and integrity and provide a clear vision for the future. The identity crisis in Russia has been a major concern for the country's presidents since the collapse of the Soviet Union, a collapse to which they have dedicated their policies to countering. Based on this background, the present

* E-mail: ekarimi@ut.ac.ir (Corresponding Author)

article adopts a multidisciplinary cultural approach to first examine the state of national identity in the post-Soviet era and then analyze the initiatives of Russian leaders in the cultural realm to revive the lost Russian identity. For constructivists, understanding the role of national identity in determining the national interests of states and providing guidance for them in international politics is key. Therefore, analyzing the performance of Russian leaders in crisis management will shed light on their approaches to research question. Yeltsin's legacy in managing the identity crisis and its national revival is assessed as destructive in neglecting the historical past and discarding cultural values, with negative effects on the process of collective identification and a sense of belonging, which delays the realization of a coherent Russian identity. The memories of his administration are marked by economic stagnation and separatist turmoil, while Vladimir Putin's achievements show positive progress. Although his government was by no means flawless, his reforms convinced Russians that he was the one who could reclaim lost glory and build respect from historical humiliation.

Research question: How did Putin, as president of Russia, deal with the national identity crisis after the collapse of the Soviet Union?

Research hypothesis: Vladimir Putin highlighted Russia's historical past as a superpower and emphasized the centrality of cultural heritage to advance a different reformist approach to redefine Russia's global position and provide a compelling response to the identity crisis.

Methodology: This article is a qualitative, descriptive-analytical study, and its research method is documentary and uses structural analysis.

Results and discussion: Vladimir Putin acknowledges that his country is made up of different ethnicities, religions, generations with unique ideals, experiences, and expectations, and that to redefine national identity in the current circumstances, he must take all this diversity for granted. The cultural divide between younger generations, who have no idea what life was like under the Soviet Union and middle-aged people who have completely different values, makes things worse for the policymakers. The young generation suffers from a lack of national awareness, a decline in patriotic sentiment and the increasing grip of cyberspace - which is fundamentally associated with the Western lifestyle - and has failed to fully integrate with its national identity.

Putin redefined modern Russian national identity as a combination of Tsarist and Soviet identities; one of the fundamental Soviet values based on contemporary Russian realities that encompasses the values of different groups and can mobilize them as a nation with common symbols, beliefs, values, political culture and national heroes, so that heterosexual tendencies are minimized. He takes the concept of nostalgia and uses it as a device of collective belonging and patriotism. Dedicating specific days on the calendar to commemorate historical events, opening museums, holding events to celebrate the achievements of past leaders and restoring cultural buildings are all part of Putin's recognition of the importance of nostalgia in reviving identity.

Vladimir Putin's policy of managing the identity crisis and redefining it over the past years has been successful in restoring hope to Russian society by reconciling generations, ethnicities and religions. It is

worth noting that Russia still has a long way to go to become a unified society. While governments strive to consolidate national symbols and emphasize the glorious past to resolve the identity crisis, cyberspace hinders the process of national awareness, especially among young people. The widespread influence of cyberspace dominated by the Western culture continues to further alienate the young generation from their cultural heritage and identity, hindering the pace of identity building in Russia.

Conclusion: Yeltsin's legacy in managing the identity crisis and its national revival is assessed as destructive in neglecting the historical past and discarding cultural values, with negative effects on the process of collective identification and a sense of belonging, which delays the realization of a coherent Russian identity. The memories of his administration are marked by economic stagnation and separatist turmoil, while Vladimir Putin's achievements show positive progress. Although his government was by no means flawless, his reforms convinced Russians that he was the one who could reclaim lost glory and build respect from historical humiliation.

Key Words:

Identity Crisis, National Identity, Identity Gap, Russia, Putin.

احیای هویت ملی روسیه در بعد فرهنگی: تبیین کنش‌های پوتین

الهه کریمی ریابی^۱

استادیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

غزل صابری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

چکیده

موضوع هویت ملی در روسیه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه‌های مردم و دولت‌مردان این کشور بوده است. پس از فرایند نوسازی پتر بزرگ که به شکاف هویتی منجر شد، حکومت شوروی ابعاد دیگری از هویت روسی را به چالش کشید. با فروپاشی اتحاد شوروی بر اهمیت موضوع هویت ملی افزوده شد. در این نوشتار با رویکردی میان‌رشته‌ای و فرهنگی می‌کوشیم با مرور وضعیت هویت ملی در دوران پسافروپاشی، اقدام‌های ولادیمیر پوتین در حوزه فرهنگی برای احیای هویت ازدست‌رفته را تحلیل کنیم. این نوشتار کیفی و از نظر نوع، توصیفی تحلیلی است که با کاربری تحلیل سازه‌نگارانه و تأکید بر مؤلفه هویت انجام شده است. پرسش اصلی این است که پوتین پس از فروپاشی اتحاد شوروی با چه اقدام‌های فرهنگی به دنبال حل بحران هویت برآمد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که برخلاف یلتسین، پوتین با تأکید بر گذشته تاریخی، اتکا بر ایده قدرت بزرگ روسیه، توجه به اهمیت موضوع فرهنگ و حفظ میراث گذشته و با رویکردی متفاوت به اصلاحات تلاش کرد، با بازتعریف جایگاه روسیه برای پرسش‌های هویتی مردم پاسخی قانع‌کننده بیابد. در پایان، همراه با بررسی اقدام‌های پوتین برای تحکیم هویت ملی در بعد فرهنگی بیان می‌شود، هرچند دولت روسیه با تحکیم نمادهای ملی و برجسته‌کردن نقاط مثبت تاریخ کشور برای برونرفت از بحران هویتی می‌کوشد، اما همچنان روسیه با هویتی منسجم فاصله دارد.

واژگان اصلی:

بحران هویت، هویت ملی، شکاف هویتی، روسیه، پوتین

^۱. نویسنده مسئول: ekarimi@ut.ac.ir

مقدمه

از ویژگی‌های اصلی یک ملت، داشتن هویت و تداوم تاریخی آن است. کشوری که از هویت یکپارچه بی‌بهره باشد، ریشه و اصل خویش را گم کرده است. گرایش پژوهشگران و جامعه‌شناسان به مسئله هویت و افزایش چشمگیر آثار و نشریه‌های علمی که هویت، انواع آن و نمودهای شناسایی آن را تحلیل و بررسی کرده‌اند، گواه اهمیت فزاینده این موضوع است. اصطلاح هویت ملی به نسبت متأخر و جایگزین اصطلاحات اولیه‌ای مانند «آگاهی ملی» و «منش ملی» شده است که به صورت گسترده از قرن هجدهم استفاده می‌شد. هویت ملی از موضوع‌هایی است که در قرن بیستم و پس از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی، قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است. سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ و زبان و ادبیات از مهم‌ترین نمادهای ملی هستند که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند.

روسیه، کشوری که پس از فروپاشی اتحاد شوروی همچنان گسترده‌ترین سرزمین جهان و بزرگ‌ترین منابع جهان را دارد، هویت ملی منسجم و مداومی را تجربه نکرده است. روس‌ها در هر دوره تاریخی برای به دست آوردن هویت یکپارچه تلاش کرده‌اند. ساموئل هانتینگتون^۱ یک سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی از روسیه به عنوان کشوری از درون گسیخته در جهان یاد کرد. ده سال بعد نیز رابرت لگولد^۲ در مقاله‌ای بر این مسئله تأکید کرد که روسیه در میان قدرت‌های بزرگ، تنها قدرتی است که با مسائل اساسی هویت روبه‌رو است (Shoori, 2006: 149). از دیدگاه سازه‌انگاری فروپاشی اتحاد شوروی و پیامدهای آن علت اصلی بحران هویت و خدشه‌دارشدن اعتماد به نفس نخبگان سیاسی روسیه است (Clunan, 2009: 184).

^۱ Samuel P. Huntington

^۲ Robert Legvold

این مشکل که از دوران پتر بزرگ آغاز شده است و تاکنون ادامه دارد، گواهی وجود شکاف در آگاهی ملی و بحران روحی جامعه روسیه است. پس از فرایند نوسازی پتر بزرگ که شکاف هویتی عمیقی را ایجاد کرد، حکومت شوروی نه تنها سبب شد جامعه روسیه برای پرسش‌های اساسی هویتی پاسخی قانع‌کننده نیابد، بلکه ابعاد دیگری از هویت روسی به چالش کشیده شد. سقوط کمونیسم در کنار ایجاد بحران‌های عمیق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، وضعیت هویت ملی در روسیه را بحرانی‌تر کرد. با فروپاشی از سویی در کشور نیاز به نوسازی بیش از پیش احساس شد. از سوی دیگر، روسیه ترس از دست‌دادن ارزش‌ها و اصالت خود را داشت. روسیه برای گذار از روزهای دشوار پس از فروپاشی، بازتعریف هویت و بازپس‌گرفتن اعتبار از دست‌رفته، به رهبری قدرتمند و قابل اعتماد نیاز داشت.

بحران هویت از آنرو اهمیت می‌یابد که باید در میان مردم یک سرزمین، احساس عمیق هویت ملی را تحریک و در نتیجه، در هر فرد احساسی پایدار از وابستگی به جماعتی محاط در یک سرزمین مشخص را به وجود آورد. عبور از چنین بحرانی، شرط اصلی ملت‌سازی است که در کنار دولت‌سازی دو رکن اصلی ایجاد دولت‌ملت‌های نوین هستند (Koolae, 1389: 241). هاسل نیز پیامدهای بحران هویت ملی را فراموش کردن گذشته تاریخی، انکار نمادها و سنت‌های ملی، ناامیدی نسبت به آینده مشترک، تناقض میان تصور فرهنگی افراد جامعه از خود با تصور فرهنگ‌های بیگانه نسبت به آن‌ها و سرانجام ایجاد احساس سرافکندگی ملی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها می‌داند (Hesle, 1994).

بوریس یلتسین و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهورهای روسیه پس از فروپاشی، بر نبود هویتی و حتی ایده ملی متناسب با شرایط و نیازهای فضای پسا شوروی آگاه بودند. آن‌ها همواره در پی یافتن پاسخی قانع‌کننده برای پرسش‌های هویتی بوده‌اند، اما با رویکردی متفاوت به اصلاحات و اقدام‌هایی برای حل بحران هویت پرداختند. در این نوشتار همراه با بررسی و مرور عملکرد پوتین برای رویارویی با سرگشتگی هویتی، اقدام‌های فرهنگی او را در چارچوب نظریه سازه‌انگاری و با تأکید بر مؤلفه هویت تحلیل می‌کنیم. روشن است که تحلیل اسناد بالادستی روسیه در حوزه فرهنگ در چارچوب این نوشتار نمی‌گنجد. این نوشتار با تکیه بر بررسی

اقدام‌های ولادیمیر پوتین برای تحکیم هویت ملی در روسیه در بعد فرهنگی آن تنظیم شده است.

پیشینه پژوهش

در مورد بحران هویت در روسیه، مؤلفه‌ها و دلایل ایجاد آن، مقاله‌های بسیاری نوشته شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. دسته نخست، مسئله هویت ملی در روسیه و مؤلفه‌های آن را تحلیل کرده‌اند. کرمی (۱۳۸۵) در مقاله «مسئله هویت ملی در روسیه امروز»، هویت ملی پس از فروپاشی را بررسی کرده است. شوری (۱۳۸۶) در مقاله «انگاره‌های شکل‌دهنده هویت روسی» با تأکید بر ناکارآمدبودن مفهوم بحران هویت در تحلیل شرایط جدید روسیه، سه انگاره قدرت، سرزمین و تمایز را به عنوان انگاره‌های عام و مشترکی که سیاست خارجی روسیه را در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی به پیش برده است، بررسی می‌کند.

دسته دیگر منابع، به مسئله بحران هویت در روسیه و راهکارهای رویارویی با آن اختصاص دارند. گاجیووا (۲۰۰۹) در مقاله «بحران هویت روسی در شرایط جهانی‌شدن»، با تأکید بر شرایط غیرمعمول روسیه از جمله سرشت چندمذهبی، چندقومیتی و تغییر در جایگاه جهانی، بحران هویت در روسیه را همچنان پابرجا می‌داند. چکمیونوا (۲۰۱۰) در مقاله «بحران هویت ملی در روسیه پس از فروپاشی و راه‌های رویارویی با آن»، عوامل ایجادکننده بحران هویت و راهکارهای پوتین در بازیابی هویت ازدست‌رفته را تحلیل می‌کند. شیرین هانتر (۱۳۹۱) در کتاب «اسلام در روسیه» با اشاره به خلأ ایدئولوژیک و فرهنگی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، پایان کمونیسم را هم‌زمان با افزایش بدبختی‌های بیشتر و فقر می‌داند. پلوتنیکوا (۲۰۱۶) در مقاله «بحران خودشناسی ملی در روسیه نوین»، شرایط جامعه بحران‌زده روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی را تشریح می‌کند. کولایی و کلبعلی (۱۳۹۶) در کتاب «الگوی نوگرایی روسی و چالش‌های هویتی» به مسئله هویت ملی در روسیه، فرایند شکل‌گیری آن و علت‌های ناتوانی روس‌ها در دستیابی به هویتی منسجم پرداخته‌اند. سلطانی و خان‌محمدی

(۱۴۰۰) در مقاله «هویت ملی روسیه در دوران پساشوروی؛ تغییر یا تداوم هویتی» به این پرسش پاسخ می‌دهند که چگونه فروپاشی اتحاد شوروی بر ادراک رهبران و مردم روسیه در مورد هویت ملی اثر گذاشت.

بررسی این منابع نشان می‌دهد تاکنون اقدام‌های دولت‌مردان روسی برای حل بحران هویت ملی پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌صورت جداگانه بررسی نشده است. از این دیدگاه، این نوشتار پژوهشی نوآورانه است. واکاوی اقدام‌های انجام‌شده دولت‌مردان، موجب درک صحیحی از فضای داخلی روسیه و به‌دنبال آن رفتارهای این کشور در عرصه بین‌الملل می‌شود.

چارچوب نظری

از آنجا که نظریه سازه‌انگاری بیشترین اهمیت را برای عامل هویت قائل شده است، برای بررسی اقدام‌های پوتین در رویارویی با بحران هویت از آن بهره می‌گیریم. در نگرش سازه‌انگاری کل‌گرا، فرایند شکل‌گیری هویت در هر دو سطح ملی و بین‌المللی فرایندی ادامه‌دار است. باید توجه داشت که در همه دسته‌بندی‌های انجام‌شده از اندیشمندان حوزه نظری سازه‌انگاری سه مفروض اصلی هستی‌شناختی به‌صورت مشترک وجود دارد: برساخته‌بودن هویت و اهمیت ساختارهای معنایی و فکری در آن، رابطه متقابل میان کارگزار و ساختار و نقش هویت در شکل‌دادن به منافع و سیاست‌ها (Moshirzadeh, 2005: 175). همچنین مهم‌ترین نکته برای سازه‌انگاران درک این موضوع است که چگونه هویت ملی در تعیین منافع ملی دولت‌ها و شیوه عمل آن‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل نقش دارد. از نظر الکساندر ونت، منافع، هویت‌ها و حتی معنای قدرت در روابط بین‌الملل به‌وسیله «ایده‌ها» تکوین و برساخته می‌شوند (Salimi, 2006: 36). هویت را نمی‌توان جدا از بستر اجتماعی آن تعریف کرد، زیرا به‌طور ذاتی امری رابطه‌ای بوده و هویت‌های اجتماعی، برداشت‌های خاص از خود و موقعیت خویش را در ارتباط با دیگر کنشگران نشان می‌دهند. از این راه منافع خاص خود را در ارتباط با موضوع‌های اجتماع تعریف و تولید می‌کنند (Hosseini Adnavard and Mayeli, 2006: 144).

با توجه به اینکه هویت هر جامعه بر مبنای اندیشه‌های اعضای آن جامعه بر ساخته می‌شود، مقوله هویت جمعی اهمیت فراوانی دارد. از دیدگاه موفه، برای هویت‌ها نوعی فرایند تثبیت و سیال‌بودن همیشگی وجود دارد. برخی عناصر سازنده هویت‌ها ثابت و اساسی و بعضی دائم در حال تغییر هستند. حتی عناصر تثبیت‌شده هویت‌ها نیز به ضرورت تاریخی و اجتماعی، دگرگون می‌شوند (Salimi, 2006: 39). بیان این نکته ضروری است که سازه‌انگاران در بحث ثبات یا سیال‌بودن هویت معتقدند که هویت‌ها تعارض‌پذیر هستند (Klotz, Audie and Linch, 2017: 110).

به باور پژوهشگران، تحقق هویت ملی نیازمند فعالیت در عرصه‌های گوناگون است، اما اجتماعی در مورد این ابعاد وجود ندارد. برای نمونه، گودرزی شش بعد را برای هویت ملی در نظر می‌گیرد: اجتماعی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، دینی و بعد فرهنگی ادبی (Goodarzi, 2005: 113). در این نوشتار بعد فرهنگی هویت ملی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس و با توجه به اهمیت انگاره‌های جاری در جامعه و نقش آن در شکل‌گیری هویت جمعی می‌کوشیم بر مبنای بررسی سازه‌انگاران در مورد هویت در جامعه روسیه، اقدام‌های پوتین پس از فروپاشی اتحاد شوروی در رویارویی با بحران هویت در بعد فرهنگی را تحلیل کنیم.

مؤلفه‌های هویت روسی

مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت جمعی یک جامعه، مذهب، سرزمین، قومیت و ملت است. هر جامعه‌ای برای یافتن پاسخی برای پرسش‌های هویتی خود از منابعی مانند تجربه تاریخی، ویژگی‌های نژادی، وضعیت ژئوپلیتیکی، ایدئولوژی سیاسی بهره می‌گیرد. این مؤلفه‌ها برای روسیه، ویژگی‌های اسلاوی، مذهب ارتدوکس، نظام استبدادی و جغرافیای ویژه آن، یعنی اروپایی‌آسیایی بودن است. روسیه در هر دوره تاریخی، بنا بر شرایط ویژه خود، با مؤلفه خاصی هویت خود را تعریف کرده است. تفاوت‌ها و تضادهای اساسی این مؤلفه‌ها با یکدیگر و همچنین تخریب هرکدام از این مؤلفه‌های هویتی دوره تاریخی پیشین به وسیله رهبران دوره بعدی، سبب تشدید بحران هویت ملی این کشور شد.

مذهب ارتدوکس نخستین و مهم‌ترین ویژگی هویتی در روسیه به‌شمار می‌رود. هویت، فرهنگ و ملی‌گرایی روسی با مسیحیت ارتدوکس پیوند خورده است. مسیحیان ارتدوکس بر این باور بودند که همه مشکلات اساسی اعتقادی بشر، به کمک شوراها و ارتدوکس قابل حل هستند. روس‌های ارتدوکس پس از سقوط امپراتوری بیزانس، خود را وارثان حقیقی عیسی مسیح (ع) می‌پنداشتند که رسالت نجات بشر را بر عهده دارند. آن‌ها روسیه را رم سوم می‌دانستند که برای انجام این رسالت بزرگ مقدس برگزیده شده بود. درواقع دین، هسته شکل‌گیری هویت روسی بود. پس از پذیرش مسیحیت ارتدوکس، این احساس متفاوت بودن با دیگران و به‌نوعی حس برتری، موجب تقویت حس هویت ملی روس‌ها شد. باید توجه داشت که این مذهب به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویتی روسیه حتی در زمان حمله قوم مغول بود. مذهب ارتدوکس عامل تعیین‌کننده‌ای برای حفظ هویت در برابر یک فاتح بیگانه بود (Karami, 2005: 158). کلیسای ارتدوکس که از آن به‌عنوان نهادی فراملی و یکی از ارکان قدرت نرم کشور یاد شده است با گسترش جنبه‌های سنتی ارزش‌های فرهنگی خویش، مانند اهرمی قوی در برابر اندیشه‌های لیبرالی غرب عمل می‌کند (Blank, 2012: 198-200).

نظام استبدادی دومین مؤلفه هویتی است. در روسیه از سوی جامعه همواره تقاضای جدی برای دولت خودکامه وجود داشته است و در واقع دولت آنچه جامعه می‌خواهد محقق می‌کند (Karami and Karamatinia, 2016: 168). طبیعت خشن دولت روسی دریافتی مکانیکی یا زیست‌شناسانه از اقتدار داشته است. این دولت چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی، تاحد زیادی قدرت را همان زور و امکان به‌کارگیری خشونت می‌دانسته است. پل اسکات به ریشه‌داربودن استبداد در سرشت تزار اشاره و تأکید می‌کند که دولت متعلق به تزار بود. روس‌ها به‌عنوان شهروند، مورد توجه وی قرار نداشتند. او به گفته نیکلای اول می‌نویسد: «نمی‌دانم با رعایای خود چکار کنم، به رعایای مجری اوامر، صادق و مطیع نیازمندم. ... زندگی انسان به‌طور کامل خدمت است، فقط خدمت و هر رعیت باید خدمت کند.» (Scot, 2012: 52) مردم روسیه هرگز سهمی در انتخاب دولت حاکم نداشتند و در هر دولتی از تزارها تا رهبران شوروی، فقط ناچار به اطاعت بودند، زیرا هرگونه مقاومت در برابر دولت مرکزی، به خشونت و سرکوب شدید منجر می‌شد. روس‌ها در طول تاریخ تجربه حکومت دموکراتیک را نداشتند. حتی در روسیه امروزی، اقتدار بالای ریاست‌جمهوری نشان از فاصله زیاد نظام حکومتی

روسیه با غرب دارد. به باور شیرین هانتر، روسیه برخی از مؤلفه‌های اساسی برای دموکراتیک‌شدن را ندارد: «روسیه با فروپاشی اتحاد شوروی به نظام مردم‌سالاری واقعی دست نیافت، بلکه سیاست روسیه پسا فروپاشی در طول محوری که با عنوان «اقتدارگرایی ریاستی» حرکت کرد، به ایجاد نظامی با قدرت اجرایی استبدادی منجر شد. حتی پیش از سقوط اتحاد شوروی، از سوی گروه‌های اصلاح‌طلب و نشریه‌ها استبداد «مردم‌سالارانه» در روسیه به بحث گذاشته می‌شد» (Hunter and Others, 2011: 243). پس از فروپاشی، پوتین اقتدارگرایی را با هدف ایجاد وحدت همراه با اراده خود در امور به نمایش گذاشت که مردم روسیه نیز استقبال کردند و محبوبیت او را افزایش داد (Soltani and Khanmohamadi, 2021: 195).

ویژگی‌های اسلاوی هم از عوامل اصلی شکل‌دهنده هویت ملی هستند. اسلاوهای شرقی که شامل روس‌ها، اوکراینی‌ها و روس‌های سفید هستند، تأکید زیادی بر ویژگی‌های اسلاوی خود دارند. این موضوع در یکپارچگی و اتحاد آن‌ها تأثیر بسزایی داشته است.

اسلاوگرایی در تاریخ سده‌های هیجدهم و نوزدهم روسیه ریشه دارد. از آن هنگام روسیه با این مسئله روبه‌رو شد که خود را به صورت یکی از قدرت‌های صنعتی اروپای غربی درآورد یا اینکه بر فضیلت‌های خویش تأکید کند و به خودسالاری^۱، ارتدوکسی و ایده‌های ذهنی ویژه خود متعهد باقی بماند (Aron, 1998: 78-83). محیط جغرافیایی نیز سهم بسزایی در شکل‌گیری هویت ملی دارد. هر ملتی هویت ملی خود را در چارچوب قلمروی سرزمینی با مرزهای معین تعریف می‌کند. تلاش یک ملت برای خلق فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای مختلف، موجب پدیدارشدن ویژگی‌هایی می‌شود که به هویت‌یابی آن‌ها کمک شایانی می‌کند. شرایط خاص جغرافیایی و گستردگی بیش از حد روسیه به اندازه یک قاره، همواره اهمیت ویژه‌ای داشته است و بسیاری از پژوهشگران در مورد آن بحث کرده‌اند. روسیه چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر فرهنگی، یک پا در شرق و یک پا در غرب داشته است. این وضعیت بیش از هر جا در قالب نماد ملی روسیه نمایان می‌شود، عقاب دو سر. یک سر این عقاب به سوی شرق است و یک سر آن به سوی غرب، گویی این نشان تقدیر روسیه است (Koolae and Kalbali, 2016).

¹. autocracy

اب و دشد داجیا اهرسور نهذ رد ی یادج سح ی عونهب، س کولدترا تیحیسم شریذپ اب. (192)
دشرتگ نرپر و صندن یا ی سکرام ی ژولونڈیا شریذپ

تحول‌های هویتی پس از فروپاشی اتحاد شوروی

سقوط کمونیسم حتی برای کسانی که از آن نظام متنفر بودند، ضربه سختی بود. نیاز به بازتعریف هویت ملی در همه کشورهای جدا شده از شوروی حس می‌شد، اما برای روسیه که ارزش‌های شوروی به صورت عمیق‌تری در آن نفوذ کرده بود، وضعیت دشوارتر بود. مردم روسیه پس از فروپاشی با کشوری روبه‌رو بودند که در همه ابعاد برایشان غریبه شده بود و گرفتار بحران‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، شرایط شبه‌قحطی و فقر بود. این کشور دیگر نامی متفاوت، ارزش‌ها و واقعیت‌هایی متفاوت و سیستم سیاسی به طور کامل جدا از نظام اتحاد شوروی داشت. برای احیای روسیه‌ای که همراه با فروپاشی نظام شوروی، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای فرهنگی‌اش نیز فروپاشیده بود، به کمک افراد جامعه نیاز بود، اما تلاش برای اصلاحات لیبرالی در دهه ۱۹۹۰ بدون در نظر گرفتن ایده و دیدگاه افراد جامعه و ذهنیت و تجربه تاریخی آن‌ها به بحران هویتی دامن زد.

در جهان برای مسئله بحران هویت، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برای برخی بحران هویت پدیده‌ای طبیعی است که موجب استقرار ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشترک می‌شود. از دید برخی دیگر، ازدست‌دادن هویت پیشین تهدیدی برآورد می‌شود که فقط با منزوی کردن، کناره‌گیری از جهانی شدن و بازگشت به ریشه‌های بنیادین می‌توان از آن جلوگیری کرد. برای سومین گروه نیز دوهویتی یا چندهویتی بودن خطرناک نیست، به ویژه زمانی که مسئله ملیت در میان باشد. اما کشورهایی هستند که هویتشان هم از نظر تاریخی و هم در درون زندگی نوین به چالش کشیده شده است. روسیه نمونه‌ای آشکار برای این گروه است. روسیه باید هم‌زمان دو مشکل را از سر راه خود بردارد: از سویی به ریشه‌های خود بازگردد. از سوی دیگر، با ورود به جامعه جهانی از فرایند جهانی شدن عقب نماند (Gadzhieva, 2009: 2).

روسیه با ازدست دادن نقش ابرقدرتی همچنان در یافتن پاسخی برای پرسش‌های اساسی هویتی خود ناتوان و در میان غربی بودن یا شرقی بودن سردرگم است. با فروپاشی، ویژگی‌های هویتی دوران شوروی نیز مورد تردید قرار گرفت. هم نمودهای هویتی دوره تزاری انکار شد و هم در پی فروپاشی شوروی، فرهنگ و هویت این دوره مردود دانسته شد. در چنین شرایطی بحران هویت ملی دوری‌ناپذیر بود. به بیان شوری، همه مباحث هویت روسی به سرگردانی روس‌ها میان شرقی بودن و غربی بودن می‌رسد و با فروپاشی اتحاد شوروی بار دیگر به دلیل نیافتن جایگزین برای آن، هویت روسی به چالش کشیده شد (Shoori, 2006: 149).

باید یادآور شد که اکنون نیز چالش پاسخ به پرسش‌های اساسی همچنان پابرجاست. دولت‌مردان روسیه پس از فروپاشی به این مسئله پی بردند که روسیه به ایده ملی مناسب شرایط و نیازهای فضای پسا شوروی نیازمند است. گاجیوا حل مشکل بحران هویت در روسیه را از آن جهت مشکل می‌داند که این بحران در هویت ملی، دولتی و تمدنی به صورت هم‌زمان وجود دارد. او بر این باور است که در چنین شرایطی هدف از جست‌وجوی هویت، مفهوم خاصی از هویت است که پاسخ‌گوی نیازهای زمان و شرایط کنونی باشد (Gadzhieva, 2009).

2)

اما نیازهای هویتی جامعه روسیه در حال حاضر چیست؟ مردم روسیه هنوز سردرگم و با این پرسش روبه‌رو هستند که ما که هستیم؟ میراث تاریخی ما چیست و چه آینده‌ای در انتظار ماست؟ دولت‌مردان روسیه همواره در پی یافتن پاسخی قانع‌کننده برای پرسش‌های هویتی بوده‌اند و اصلاحات و اقدام‌های متعددی را برای حل این بحران هویتی درپیش گرفته‌اند. اما این سیاست‌ها چقدر در حل بحران هویت موفق عمل کرده‌اند؟

کنش‌های فرهنگی پوتین برای رویارویی بحران هویت

به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، مردم با کشوری روبه‌رو بودند که به دلیل ازدست دادن قدرت و بزرگی خود، تحقیر شده و با بحران‌های عمیق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی روبه‌رو بود. در تاریخ فدراسیون روسیه دو دوره به نسبت مستقل در انجام اصلاحات در جامعه وجود داشت: سال‌های ۱۹۹۰ و سال‌های ۲۰۰۰. نخستین دوره، دهه یلتسین است. دومین دوره، در

اصل دهه پوتین است. مهم‌ترین و شاید عادلانه‌ترین حکم برای این دو دوره را اکثریت مردم صادر می‌کنند (که شامل گروه‌های گوناگون اجتماعی و شغلی و جمعیتی هستند). دهه نخست در ارزیابی‌های همگانی دهه ازهم‌پاشیدگی، دهه آرزوهای تحقق‌نیافته و چرخه اقدام‌های عملی ناسنجیده، ناهماهنگ و تندروانه در حوزه‌های گوناگون زندگی جامعه روسیه شناخته می‌شود که در تحلیل نهایی به فقیرشدن توده انبوهی از مردم انجامید و کشور را در مسیر حرکت خود چندین سال به عقب راند. دومین دهه دوران اصلاحات را که پیش از همه با شخصیت ولادیمیر پوتین پیوند دارد، افکار عمومی به عنوان چرخش قاطعانه سیاست عملی به سوی جامعه، برقراری نظم مبتنی بر قانون اساسی در کشور، برون‌رفت از شدیدترین مرحله بحران در مسیر رشد استوار و باثبات و به سوی بازگرداندن موقعیت یک قدرت با نفوذ جهانی به روسیه ارزیابی می‌کند.

برای رهایی از انحطاط و ازدست‌رفتن گذشته تاریخی، کشور به رهبری جدید نیاز داشت که نه تنها توانایی هدایت روسیه به سوی آینده‌ای روشن را داشته باشد، بلکه گسست ایجادشده با گذشته را ترمیم کند و از روسیه تصویری جدید و اصیل به نمایش بگذارد. پوتین زمانی رئیس‌جمهور شد که امید به آینده‌ای روشن از میان رفته بود و فروپاشی شوروی، بازگشت به آن را نیز ناممکن کرده بود. دولت پوتین کوشید با ایجاد نظام فرهنگی هژمونیک، جایگاه ابرقدرتی، سنت‌ها و ارزش‌های ازدست‌رفته را به روسیه بازگرداند.

او به خوبی به اهمیت مقوله نوستالژی در توسعه و حفظ احساس وابستگی جمعی و هویت ملی آگاه بود. نوستالژی می‌تواند ابزار سیاسی مهمی در فرایند هویت‌یابی باشد. پوتین از ابتدای دوره ریاست‌جمهوری خود احیای بزرگی روسیه و وحدت ملی را در اولویت قرار داد. او با استفاده از گذشته تاریخی، سنت‌ها و ارزش‌های شوروی کوشید شهروندان روسیه را با هویت مدنی متحد و سنت‌های دوره شوروی متحد سازد (Markova, 2020: 5). بر این اساس می‌توان گفت اقدام‌های وی با نظریه سازه‌انگاری و اهمیت مقوله هویت ملی در یک جامعه سازگار است. به باور تسیگانکف، پوتین از روسیه به عنوان «دولت تمدن» صحبت می‌کند و کشورش را

سامانه‌ای از ارزش‌های فرهنگی ویژه می‌داند (Tsygankov, 2016: 155). در ادامه عملکرد دولت پوتین برای حل این بحران را بررسی می‌کنیم.

۱. حفظ نمادها و ارزش‌های دوره‌های مختلف تاریخ روسیه

برخلاف یلتسین که برای نابودی نمادهای شوروی تلاش می‌کرد، پوتین با اشرافی که به تاریخ ملی کشور و اهمیت آن در حفظ حاکمیت ملی داشت، نفی نمادهای شوروی و حتی تزاری را هدر دادن زندگی نسل‌های پیشین می‌دانست و بر ضرورت احترام به این نمادها برای بازیابی هویت ازدست‌رفته تأکید می‌کرد. او همواره بر ضرورت تقویت حس میهن‌پرستی برای حفظ عزت ملی اشاره می‌کرد و تضعیف آن را زمینه‌ای برای ازدست‌رفتن حاکمیت ملی می‌دانست. وی به نمادها و ارزش‌های دوره‌های گذشته به‌عنوان ابزاری برای هویت‌یابی می‌نگریست که می‌توانست به کمک آن‌ها، احساس وابستگی افراد جامعه را به گذشته تاریخی مشترک تقویت کند. یکی از مهم‌ترین این نمادها، سرود ملی بود.

هانتز اختلاط نمادهای سه دوره متفاوت تاریخی به‌عنوان نمادهای رسمی کشور به‌وسیله پوتین را نشانه‌ای از اهمیت دوره‌های مختلف تاریخی، حذف‌شدنی‌نبودن آن‌ها و نقششان در تحکیم هویت ملی می‌داند: «قانونی که پوتین امضا کرد، پرچم سه رنگ روسیه پساکمونستی و عقاب دوسر رومانی را به نشانه نماد رسمی دولت و «پرچم سرخ پیروزی» را به نشانه نماد رسمی نیروهای نظامی روسیه پذیرفت. با اختلاط نمادهای پیش و پس از اتحاد شوروی، پوتین آشکارا می‌کوشید بخش‌های مثبت هر دو دوره (روسیه به‌مثابه روم سوم ارتدوکس، زادگاه پوشکین، تولستوی و داستایفسکی و روسیه به‌عنوان «مردم‌سالاری جدید» پیروز جنگ بزرگ میهنی) را در حکم پایه‌های سازنده هویت ملی پسا شوروی درهم آمیخته و یکپارچه کند» (Hunter and Others, 2011: 343). پوتین هنگام ارائه لایحه‌ها در سال ۲۰۰۰ به دوما تأکید کرد: در آینده پرچم قرمز ممکن است نشان رسمی نیروهای نظامی شود. این پرچم باید جایگاهی «ویژه و با عزت» در تاریخ روسیه داشته باشد. نفی نمادگرایی شورویایی و حتی تزاری در اساس مشکل دارد (Shakibi, 2017: 321).

چریاخوفسکی^۱ می‌گوید دولت به‌درستی به این مسئله پی‌برده است که جامعه از هم‌پاشیده و اصول معنایی برای آن رنگ‌باخته است. دولت می‌خواست شکاف ایجادشده در جامعه را پر کند و نمادها، مفاهیم و اصول آشتی‌ناپذیر را با یکدیگر آشتی دهد. او تأکید می‌کند که با کنارگذاشتن نمادهای دوره‌های گذشته، زندگی نسل‌های پیشین بی‌معنی خواهد بود و این برای ما پذیرفته نیست. چکمینوا یکی از اصلی‌ترین دلایل ایجاد بحران هویت ملی در روسیه پس از فروپاشی را انحطاط تاریخ روسیه و تخریب ایده‌ها و ارزش‌های اعتقادی روس‌ها می‌داند. او نبود تجربه اجتماعی در میان نسل جوان را که نسل‌های گذشته از آن بهره‌مند بودند از عواملی می‌شمارد که به این بحران دامن می‌زند. برای این نسل، دوره شوروی به‌صورت کامل انتزاعی، ناقص و پراکنده درک می‌شود (Chekmeneva, 2010: 2-3).

در سند راهبرد امنیتی ۲۰۲۱ روسیه نیز سیاست‌های مرتبط با حفظ ارزش‌ها و حافظه تاریخی روسیه جایگاه مهمی دارند. در این راهبرد، پاسداری از ارزش‌های سنتی، معنوی، اخلاقی، فرهنگ و حافظه تاریخی در نظر گرفته شده است. یکی از جدی‌ترین تهدیدهای فرهنگی که در این سند آمده است، ترویج ارزش‌های بیگانه، تغییر و تجدیدنظر در موازین اخلاقی، تشویق رفتارهای مخرب، اصلاحات در حوزه‌های آموزشی، دینی، فرهنگی، زبان و رسانه و همچنین شکاف نسل‌هاست (Karami and Karimi Riabi, 2021: 142-143).

۲. احترام به میراث رهبران تزاری و شوروی و برجسته کردن اقدام‌های مثبت آن‌ها

پوتین نمادهای تزاری و شوروی را بخشی از تاریخ و اصالت این ملت می‌داند و باور دارد برای حفظ عزت ملی باید همواره نکته‌های مثبت این دوران را برای ملت یادآوری کرد. به نظر وی اگرچه به سیاست‌های لنین و استالین انتقادهایی وارد است، اما این رهبران، میراث شوروی هستند و در ساختن این کشور نقشی بسزا داشته‌اند. در نتیجه، باید قدردان آن‌ها بود. او همه تلاش خود را برای پایان‌دادن به انتقاد از رهبران پیشین روسیه و شوروی به‌کار گرفت. هر فردی ممکن است سلیقه متفاوتی داشته باشد؛ می‌شود از شخصی مانند استالین، نکته‌های

^۱. Cheryakhovsky

تاریک بسیاری نمایش داد، اما یک ملت می‌تواند به روزه‌های روشنی در روند زندگی سیاسی وی نیز توجه‌کنندشکویی به مخالفت پوتین با تبلیغات منفی علیه دوره تزاری و شوروی و بخشی از سخنرانی وی در سال ۲۰۱۵ اشاره می‌کند: «می‌خواهم همین‌جا از تاریخ‌دان بزرگ، نیکلای میخاییلوویچ کارامزین^۱ مطلبی بیان کنم. او می‌نویسد آن‌ها که به خود احترام نمی‌گذارند، بدون تردید دیگران هم به آن‌ها احترام نمی‌گذارند. نمی‌گویم که عشق به وطن باید ما را کور کند و به این نتیجه برسیم که از همه بهتریم و در همه چیز بهترینیم، بلکه یک روس باید ارزش خودش را بداند». مرور سخنرانی دیگری از پوتین در این رابطه در ژوئن ۲۰۱۳ موجب درک بهتر این مسئله می‌شود: «ما از دست نرفته‌ایم. جوهر اصلی و پایگاه معنوی دولت روسی را حفظ کردیم، تلاش‌های انجام‌شده در قرن‌ها، وفاداری به وطن، آزادی، استقلال و منافعش را حفظ کردیم. آرمان میهن‌پرستی آن‌قدر قوی است که هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادهای آن یا شکلش را تغییر دهد. ممکن نیست که ما را از ریشه‌ها و منابع ملی‌مان دور، منزوی یا جدا کرد. تاریخ بزرگ کشور ما و میراث بزرگ تمدنی آن احساسات امروز ما را می‌سازد و به شهروندان روسیه برای رسیدن به دستاوردهای جدید، پیروزی‌ها و موفقیت‌ها الهام می‌دهد. ما وظیفه داریم بزرگی و غنای تجربه‌های یگانه خود را به یاد داشته باشیم. سنت‌هایی را که از پیشینیان برای قرن‌ها به ما رسیده است، پاس بداریم و قدردان رابطه مقدس با وطن، موفقیت‌ها و فداکاری‌هایمان باشیم» (Shakibi, 2017: 320-323). نوردنبس نیز با بررسی آثار ادبی منتشرشده پس از فروپاشی تأکید می‌کند، نویسندگان معاصر روس شیفته امپراتوری روسیه هستند. البته این موضوع فقط از سیاست الهام نمی‌گیرد، بلکه پویایی زیباشناختی ادبی نیز در آن دخالت دارد (Noordenbos, 2016: 201).

۳. تغییر ساختار وزارت فرهنگ روسیه و تدوین اسناد جدید

وزارت فرهنگ روسیه مجری اصلی سیاست‌های فرهنگی در روسیه است. ساختار سازمانی و ترکیب نهایی این وزارتخانه در سال ۲۰۰۰ و در نتیجه، بازسازی کامل ساختار اداری کشور

^۱. Nikolay Karamzin

به‌وسیله رئیس‌جمهور و انتصاب میخائیل شویدکوی به‌عنوان وزیر فرهنگ صورت گرفت. از تغییرهای مهم در ساختار وزارت فرهنگ روسیه حذف بحث‌برانگیز کمیته مستقل فیلم و یکپارچه‌کردن آن با شرکت سیرک روسیه است. همچنین پس از ابلاغ «سند راهبرد سیاست فرهنگی روسیه تا سال ۲۰۳۰»^۱ مصوب ۲۹ فوریه ۲۰۱۶، وزارت فرهنگ روسیه مسئول اجرا و پیاده‌سازی آن شد. این سند نشان می‌دهد که الگوی سیاست فرهنگی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تغییر نکرده است. هزینه بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرهنگی مانند گذشته از محل بودجه فدراسیون روسیه تأمین می‌شود. ویژگی برجسته این برنامه راهبردی، رویکرد مسئله‌محوری آن است. بر اساس این سند، شش مسئله اساسی فرهنگی روسیه باید تا سال ۲۰۳۰ حل شوند:

- کاهش نفوذ فرهنگ روسی در جهان،
 - شکاف در فضای فرهنگی داخل کشور،
 - نابرابری توسعه فرهنگی مناطق،
 - تضعیف ارزش‌های خانوادگی،
 - سرعت پایین به‌روزشدن زیرساخت‌های فرهنگی،
 - کاهش نقش فرهنگ در روند سازگاری شخصیت با جامعه و انسجام روابط اجتماعی.
- گام مهم دیگری که برداشته شده است، تأسیس بنیاد روسکی میر^۲ (جهان روسی) در سال ۲۰۰۷ به دستور پوتین است. مفهوم جهان روسی ایده هویت مشترک فرهنگی، معنوی و تاریخی را در میان مردم روس‌زبان تجسم می‌کند که مفهومی سیاسی است و پیامدهایی برای روابط روسیه با همسایگان خود و در سطح گسترده‌تر در جامعه بین‌المللی دارد. جهان روسی (Safari, 2024: 270). روسیه به‌وسیله دیپلماسی فرهنگی، با حمایت از رسانه‌های روس‌زبان در خارج از کشور، تأمین مالی روابط فرهنگی و ترویج آموزش زبان و فرهنگ روسی در دیگر کشورها به دنبال ترویج مفهوم جهان روسی بوده است. اساس نامه این بنیاد نیز در نوع خود جالب توجه

^۱. Стратегии государственной культурной политики на период до 2030 года

^۲ Русский мир

است. با بررسی اساسنامه آن می‌توان به این اصل پی‌برد که جهان روسی سیاست فرهنگی روسیه را جهت می‌دهد و در زمینه گسترش زبان و فرهنگ روسیه از ابزارهای متعددی مانند دیاسپورای روسی نیز بهره می‌برد.

۴. تقویت وحدت و همبستگی قومی

برای سال‌های طولانی شهروندان کشورها و جمهوری‌های مستقل هم‌سود، شهروندان اتحاد شوروی به‌شمار می‌رفتند. بر اساس آخرین سرشماری‌های انجام‌شده بیش از ۱۹۳ قوم یا گروه قومی در فدراسیون روسیه وجود دارد. در این سرشماری ۸۰/۹ درصد جمعیت یعنی ۱۱۵ میلیون نفر آن‌ها را روس‌ها تشکیل می‌دهند. سرشت چندفرهنگی و چندقومیتی روسیه در دوره پسا شوروی مسائلی، مانند تنوع زبان‌ها، مسئله ملیت‌ها و دغدغه‌های اجتماعی و حکومتی ایجاد کرده است (Sanaei, 2016: 103).

بنا بر قانون اساسی روسیه زبان روسی، زبان رسمی و رایج‌ترین زبان در روسیه است. جمهوری‌هایی که در ترکیب فدراسیون روسیه هستند، این حق را دارند که در کنار زبان روسی، از زبان گروه قومی خود نیز به‌عنوان زبان رسمی استفاده کنند. بیشتر شهروندان روسیه به زبان روسی تسلط دارند، ولی در مناطق مختلف این کشور لهجه‌های گوناگونی وجود دارد که در آن‌ها واژه‌های روسی با واژه‌های محلی درهم می‌آمیزند و لهجه و گویش خاص آن منطقه شکل می‌گیرد. در روسیه ۲۷۷ زبان و گویش وجود دارد. در سیستم حکومتی ۸۹ زبان آموزش داده می‌شود. از این میان ۳۰ زبان برای آموزش در مدرسه‌ها و ۵۹ زبان به‌عنوان موضوع درسی هستند (Ghasemi, 2018: 36).

یکی از تدبیرهای دولت روسیه برای تقویت همبستگی قومی و تحکیم پایه‌های هویت ملی، تدوین «سند راهبردی سیاست‌های قومی کشوری فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۳۰» (که پیش‌تر به آن اشاره شد) و تأسیس سازمان فدرال در امور ملیت‌ها (فادن^۱) است. فادن ساختار جدیدی است که به دنبال اهمیت‌یافتن موضوع اقوام، براساس دستور رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۶

^۱ ФАДН

تأسیس شده است. اجرای سیاست‌های قومی با نظارت فادن و با همکاری سازمان‌های مختلف دولتی و اجرایی صورت می‌گیرد. شایان توجه است که هم در قانون اساسی فدراسیون روسیه و هم در قانون اساسی جمهوری‌ها، نخستین فصل به موضوع دفاع از حقوق اقوام به‌عنوان یکی از ارزش‌های اجتماعی و مدنی می‌پردازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این قانون با معیارها و نیازهای توسعه مردم‌سالاری حقوقی، اجتماعی و اقتصادی روسیه سازگار است (Ghasemi, 2018: 56).

۵. اختصاص روزهایی از تقویم کشور به رویدادهای تاریخی

یکی از جنبه‌های تحریک حس میهن‌پرستی در جامعه، اختصاص روزهایی از سال به رویدادهای مهم تاریخی با هدف ارج‌نهادن تاریخ ملی کشور و برجسته‌کردن نقاط مثبت رهبران سیاسی است. از سال‌های آغازین روی‌کارآمدن پوتین، او کوشید تقویم رویدادهای روسیه را سرشار از روزهایی کند که به بهانه‌های مختلف، هر آنچه می‌تواند به احیای هویت این کشور کمک کند، پررنگ شود. به‌دنبال آن برنامه‌هایی برگزار شد و در پس تکرار این روزها، آرام‌آرام هویت ملی احیا شد. به‌نظر می‌رسد این رویکرد توجه به نگاه برد-برد از سوی پوتین است. برای نمونه، اگر به جشن پیروزی در روز ۹ مه توجه کنیم؛ حتماً بخش قابل‌ملاحظه‌ای از شهروندان این کشور که در این مراسم در شهرهای مختلف و در رأس آن در مسکو حضور پیدا می‌کنند، ممکن است که انتقادهایی نیز به حکومت داشته باشند، اما این هویت ملی است که آن‌ها را به خیابان‌ها و شبکه‌های مجازی می‌آورد تا تصویر مادران، پدران، مادرزرها و پدرزرها را که در جنگ بزرگ میهنی حضور داشتند به اشتراک بگذارند و بر اهمیت دفاع از سرزمین مادری تأکید کنند.

پلوتینکوا از دیدگاه دیگری به این مسئله پرداخته و باور دارد برخی سیاست‌های ناکارآمد سبب گرایش شهروندان روسیه به گذشته تاریخی خود برای یافتن پاسخ پرسش‌های هویتی شده است. البته او در ادامه این نکته مهم را یادآور می‌شود که این گذشته تاریخی امروزه نسخه‌ای

تحریف شده، ساختگی و دور از واقعیت‌ها است که می‌تواند برای آگاهی ملی جامعه روسیه و به‌ویژه جوانان کشور بسیار آسیب‌زا و زیان‌آور باشد (Plotnikova, 2016: 15).

۶. گشایش موزه‌ها و برگزاری مراسم و جشنواره‌های تاریخی

پارک تاریخی «روسیه- تاریخ من» از اقدام‌های فرهنگی پوتین است که هویت روسی و شوروی را در مقیاسی بزرگ برای مخاطبان به نمایش می‌گذارد. این پارک با استفاده از فناوری دیجیتال، روایتی از پیروزی شوروی در جنگ جهانی دوم ارائه می‌کند. اگرچه پوتین حتی در زمان این پیروزی بزرگ به دنیا نیامده بود، نقش تعیین‌کننده‌ای در این پارک تاریخی بازی می‌کند. این پارک تاریخی بزرگ‌ترین موزه چندرسانه‌ای در اروپاست که به مخاطبان این فرصت را می‌دهد تا سیر تاریخی تحول در روسیه از دوران باستان تا امروز را دنبال کنند. برای ساخت این پارک موزه تاریخ‌نگاران، هنرمندان، فیلم‌سازان، طراحان و کارشناسان گرافیک کامپیوتری گردهم آمدند تا تاریخ روسیه از یک کتاب درسی به یک روایت عینی، روشن و هیجان‌انگیز تبدیل شود. مرور خاطره‌های جنگ تنها گوشه‌ای از تلاش‌های دولت پوتین برای تحکیم احساسات ملی و اتحاد مردم روسیه است. روسیه تاریخ من بر این نکته تأکید می‌کند که احیای معنوی غرور و بزرگداشت دستاوردهای ملی در دوره پوتین در واقع «پیروزی بزرگ» خود شخص اوست.^۱ همچنین جشنواره‌های مختلف مانند «روز شهر مسکو» یا جشنواره «سفر به کریسمس» مسکو در برانگیختن احساس نوستالژی مؤثر بوده است. برای نمونه، در «جشنواره سفر به کریسمس»، پیست یخی در میدان سرخ در زمستان سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با شخصیت‌های کارتون محبوب دوره شوروی همراه با موسیقی متن فیلم‌های مطرح آن دوره تزیین شد (Markova, 2020: 5). برگزاری جام جهانی فوتبال در روسیه در سال ۲۰۱۸ نیز نقش بسزایی در بازنمایی تصویر مثبت از روسیه در عرصه جهانی داشت.

^۱. <https://www.e-ir.info/2020/07/14/the-political-use-of-soviet-nostalgia-to-develop-a-russian-national-identity/>

۷. استفاده از صنعت سینما در احیای هویت

از صنعت سینما در راستای احیای هویت و تقویت احساس وابستگی به ملتی با گذشته تاریخی با شکوه استفاده می‌شود. از سال ۲۰۱۱ به بعد، ایجاد هویت ملی به هدفی سیاسی در روسیه تبدیل شد. این مسئله بدان معنی بود که وزارت فرهنگ روسیه، مسئولیت نظارت بر سینما را برعهده گرفت. در حال حاضر دولت روسیه فقط بودجه فیلم‌های ملی را تأمین می‌کند و شرط برخورداری از این امتیاز، لزوم سازگاری فیلم با اصول حاکم است. از این‌رو دولت روسیه توانایی کنترل فعالانه حافظه جمعی به وسیله تأمین مالی فیلم‌های نوستالژیکی که تصویر مثبتی از گذشته شوروی را ترسیم کنند، دارد. در سال‌های اخیر آنچه در رسانه‌های روسیه و به‌ویژه تلویزیون اهمیت یافته است، ارائه و بازآفرینی آثاری در ارتباط با پیروزی اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم بر ارتش نازی است. به‌دست آوردن این پیروزی در درون جامعه روسیه به واسطه وجود دو عنصر در دوران جنگ، یعنی وجود دولت توانمند و مقاومت مردم برآورد می‌شود (Blank, 2012: 198-200).

یکی از فیلم‌هایی که با بودجه دولتی ساخته شده است، مجموعه فیلم سه قسمتی «من تضمین می‌دهم»^۱ است که زندگی دو پسر نوجوان در دوره شوروی را به تصویر می‌کشد و مضمون‌های محبوب دوره شوروی مانند دوستی، رفاقت و آرمان‌گرایی را القا می‌کند. در این فیلم به جنبه‌های منفی دوران شوروی اشاره‌ای نمی‌شود و تلاش شده است تصویری شاد و نوستالژیک از گذشته ترسیم شود. البته این مسئله منحصر به فیلم‌های دارای تأیید دولت نیست، بلکه به‌نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۰ به بعد، فیلم‌های مستند نیز کمتر از دوره شوروی انتقاد می‌کنند. همچنین کانال‌های تلویزیونی از تهیه‌کنندگان خواسته‌اند از نمایش تصویری تاریک از دوره شوروی بپرهیزند. مستندهایی مانند «غرور ما»^۲ محصول سال ۲۰۱۱ و «افسانه‌های شوروی»^۳ محصول سال ۲۰۱۲ بر زندگی روزمره و دستاوردهای غرورآفرین شوروی تأکید کرده‌اند. مردم با تماشای این فیلم‌ها به ملتی بزرگ احساس وابستگی می‌کنند که

۱. Честное пионерское (I give you my word) 1.

۲. Наша гордость

۳. Легенды СССР

گذشته‌ای باشکوه داشته است (Markova, 2020: 5-6).^۱ به بیان دیگر، بازتولید بخش‌هایی از جنگ در این فیلم‌ها به‌عنوان بخشی از «تصویر تاریخی بزرگ‌تر» تأثیر رویدادهای جنگ جهانی دوم را تقویت می‌کند و به این ترتیب بخش‌ها و اسطوره‌های اقتباس‌شده از تاریخ شوروی به مخاطبان روس به‌عنوان گذشته قابل استفاده‌ای ارائه می‌شود که پیام‌های ارزشمندی دارد و در حال حاضر نیز منعکس می‌شود (Noordenbos, 2018: 446).

این مسئله بعد دیگری نیز دارد که مهم است. گرایش به تاریخ ارائه‌شده در برنامه‌های تاریخی در تلویزیون، رادیو و شبکه‌های اینترنتی می‌تواند به تهدیدی برای آگاهی تاریخی مردم روسیه به‌ویژه نسل جوان تبدیل شود، زیرا در بسیاری از این برنامه‌ها رویدادهای تاریخی به‌طور کامل آزادانه تفسیرشده، بسیاری از مطالب گفته‌شده، ساختگی هستند و این اطلاعات ساختگی می‌تواند تأثیری بسیار ویرانگر بر آگاهی جامعه و هویت ملی داشته باشد. به باور پلوتنیکووا بازسازی بناهای فرهنگی، ساخت موزه‌های تاریخی در نقاط مختلف کشور، اختصاص برنامه‌هایی به تاریخ، فرهنگ و ادبیات روسیه و ارزیابی دوباره میراث فرهنگی و تاریخی، مرزهای جست‌وجوی هویت اجتماعی را گسترش داده و ساختارهای جدیدی برای هویت‌یابی براساس ترکیبی از هویت پیش از شوروی و دوره شوروی پدید می‌آورد (Plotnikova, 2016: 3, 16).

۸. بازنویسی محتوای کتاب‌های درسی و بازسازی میراث تاریخی و فرهنگی

در سال‌های اخیر با تألیف دوباره کتاب‌های تاریخ، اقدام‌های مثبتی انجام شده است که هدف آن جلوگیری از ساختن تاریخ و ایجاد آگاهی ملی به‌ویژه برای نسل جوان جامعه است. کتاب‌های تاریخ نمونه مهمی هستند که این تغییرهای محتوایی را نشان می‌دهند. از سال تحصیلی ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ دانش‌آموزان روسیه با کتاب‌های جدید تاریخ، تحصیل را شروع کردند

^۱ . شایان توجه است برخی از تحلیلگران نظر دیگری دارند. برای نمونه، نوریس با استناد به برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌گوید اسطوره‌های مربوط به جنگ جهانی دوم در دوران پوتین بازبینی شده است. برای مطالعه بیشتر ببینید: Norris (2012)

که بر اساس استانداردهای تاریخی و فرهنگی نوشته شده‌اند. این استاندارد در فوریه ۲۰۱۳ با فرمان پوتین و با تأکید بر نوشتن کتاب واحد تاریخ تعیین شد. بر این اساس، کتاب واحد تاریخ روسیه که برای دوره متوسطه تهیه می‌شود باید به زبان روسی و به‌خوبی نوشته شود و بدون تناقض‌های داخلی و تفسیرهای دوگانه باشد.

برای نمونه، در کتاب تاریخ کلاس دهم، هویت ملی علاوه بر مؤلفه‌های اصلی آن که سرزمین، مذهب ارتدوکس و زبان است، همه جنبه‌های افتخارآمیز نظامی و موفقیت‌های علمی دوره‌های مختلف، پیشرفت‌های آموزشی، موفقیت‌های ورزشی، هم‌زیستی مذهبی، معماری نوین، هنر و موسیقی و تأثر، معرفی دانشمندان عرصه‌های مختلف علمی به‌ویژه فیزیک و انرژی، توجه به تولیدات داخلی، نمادهای دولتی روسیه (پرچم، سرود ملی، آرم دولتی، پرچم ریاست‌جمهوری و نشان ریاست‌جمهوری) به‌عنوان زیرمؤلفه‌های هویت ملی مورد توجه بوده است (Mojazi, 2018: 151).

۹. توجه به شبکه‌های اجتماعی بومی

یکی از موضوع‌هایی که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است، گسترش شبکه‌های اجتماعی بومی مانند آدناکلاسنیکی^۱ و وکانتکت^۲ است. گروه میل‌رو^۳ که به‌صورت رسمی در سال ۲۰۰۱ شکل گرفت شامل شبکه‌های اجتماعی محبوب روسیه، یعنی آدناکلاسنیکی، وکانتکت و میل‌رو است. آدناکلاسنیکی در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد و بیشتر مخاطبان آن افراد بالای ۵۵ هستند. این شبکه اجتماعی ۱۵٫۸ میلیون عضو فعال با ۱۲۰ میلیون پیام در سال ۲۰۱۸ داشت. محبوبیت وکانتکت در میان جوانان بیشتر است. مخاطبان وکانتکت در سال ۲۰۱۸ نسبت به مخاطبان فیسبوک ۱۸ برابر بیشتر بود (Vartanova, 2021: 236-238). محبوبیت و گستره استفاده از این شبکه‌های اجتماعی، نقشی بسزای در مدیریت تصویر روسیه در عرصه جهانی داشته است.

^۱. Одноклассники

^۲. ВКонтакте

^۳. mail.ru

نتیجه

در این نوشتار کنش‌های فرهنگی پوتین در رویارویی با سرگشتگی هویتی در روسیهٔ پسافروپاشی را براساس آرای سازه‌نگاران در مورد مؤلفهٔ هویت تبیین کردیم. ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه، به نبود هویت ملی منسجم و حتی ایدهٔ ملی مشترک آگاه بود، اما برای رویارویی با بحران هویت به‌عنوان اصلی‌ترین چالش کشور در روسیهٔ پس از فروپاشی، رویکردی متفاوت از یلتسین داشت. در عملکرد پوتین نقاط مثبت زیادی یافت می‌شود. عملکرد او بی‌نقص نبوده است، اما اصلاحات او سبب شده است که مردم روسیه با وجود نارضایتی از برخی مشکلات سیاسی و اقتصادی و انتقادهایی که به دولت روسیه دارند، به پوتین به‌عنوان تنها کسی بنگرند که توانست اقتدار روسیه را تاحدودی به دوران شوروی بازگرداند و از روسیهٔ تحقیرشده در زمان فروپاشی، کشوری مورد احترام بسازد. پوتین به‌خوبی از این مسئله آگاه است که جامعهٔ روسیه از اقوام مختلف، ادیان مختلف و نسل‌های مختلفی تشکیل شده است که آرمان‌ها، تجربه‌ها و انتظارات خاص خود را دارند و برای بازتعریف هویت ملی در شرایط کنونی، باید ویژگی‌های همهٔ نسل‌ها، از هر قومیت و دینی را در نظر بگیرند.

اقدام‌های پوتین برای حل مشکل بحران هویتی و بازتعریف هویت ملی برای پیوند نسل‌های مختلف جامعهٔ روسیه با اقوام و ادیان متفاوت، تاحدی توانسته است خوش‌بینی و امید به آینده ایجاد کند. شایان توجه است که روسیه با هویت منسجم همچنان فاصله دارد. در حالی که دولت با تحکیم نمادهای ملی و برجسته‌کردن نقاط مثبت تاریخ کشور برای برون‌رفت از بحران هویتی ایجادشده می‌کوشد. در برابر، فضای مجازی قرار دارد که می‌تواند چون سدی مانع روند رو به رشد خودآگاهی ملی به‌ویژه در میان نسل جوان جامعه باشد. تأثیر فزایندهٔ فضای مجازی و دنیای غرب می‌تواند موجب فاصله‌گرفتن نسل جوان روسیه از هویت و میراث فرهنگی و تاریخی خود (که هنوز نیز به درک عمیق از آن دست‌نیافته است) شود و فرایند هویت‌یابی را از آنچه هست، دشوارتر کند.

بازتعریف مؤلفه‌های نوین هویتی متناسب با اقوام و نسل‌های مختلف روسیه، بالابردن آگاهی ملی جامعه از خود و اقوام دیگر، تقویت احساس میهن‌پرستی و غرور ملی با برجسته‌کردن رویدادها و دستاوردهای مثبت تاریخی رهبران تاریخ روسیه، گذر از صفحه‌های منفی تاریخ روسیه و متوقف‌کردن انتقاد از آن، از روش‌هایی است که دولت‌مردان روسیه برای حل بحران هویت تاکنون انجام داده‌اند، اما آنان به نتیجه مورد انتظار دست نیافته‌اند. به نظر می‌رسد در میان این اقدام‌ها، تلاش برای بالابردن سطح آگاهی ملی نسل جوان جامعه با بازنویسی تاریخ این کشور و آثار نویسندگان معاصر روس که به مسئله هویت و میهن‌پرستی توجه بیشتری کرده‌اند، مؤثر باشد.



References

- Aron, Leon (1998), The Foreign Policy Doctrine of Post Communist Russia and its Domestic Context, in: Mandelbaum, M. (ed.) **The New Russian Foreign Policy**, New York: Council on Foreign Relations Press.
- Blank, Stephan J. (2012), **Perspectives on Russian Foreign Policy**, Strategic Studies Institute, US Army War College., Available at: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil>, (Accessed on: 2013/09/10).
- Chekmeneva T.G. (2010), “The Crisis of National Identity in Post-Soviet Russia and Ways to Overcome it”, **Bulletin of the Voronezh State Technical University**, Vol. 6, No. 10 pp. 35-38 (doi:20.1001.1.1735059.1386.8.31.2.0) [in Russian].
- Clunan, Anne L. (2009), **The Social Construction of Russia's Resurgence**, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Gadzhieva R. G. (2009), “The Crisis of Russia's Identity under Condition of Globalization”, **Bulletin of the Peoples' Friendship University of Russia**, Series: International Relations, No. 2, pp. 35-41, Available at: <https://journals.rudn.ru/internationalrelations/article/download/10604/10055?ysclid=m84vszavby259884771> (Accessed on: 2019/07/10) [in Russian].
- Ghasemi, Parviz (2018), Russia's Cultural Policies towards Ethnic Groups, Case Study: Republic of Tatarstan, Master thesis, University of Tehran [in Persian].
- Goodarzi, Hossein (2005), **Discourses on the Sociology of Identity in Iran**, Tehran: Tamadon-e Irani [in Persian].
- Hesle, V. (1994), “The Crisis of Individual and Collective Personality”, **Questions of Philosophy**, No. 10, pp. 112-123, Available at: <http://www.filosof.historic.ru/books/item/f00/s00/z0000647> (Accessed on: 2019/08/10) [in Russian].

- Hosseini Sayadnavard, Majid and Mohammad Reza Mayeli (2019), "Delivery of Structural Theory from International Relations to Political Science Topics", **International Relations Studies**, Vol. 13, No. 50, pp. 133-153, Available at: https://journals.iau.ir/article_674548.html (Accessed on: 2019/12/10), [in Persian].
- Hunter, Shireen and Alexander Melikishvili (2011), **Islam in Russia: The Politics of Identity and Security**, Translated: Koolaee, Elaheh and Others, Tehran: Ney, [in Persian].
- Karami, Jahangir (2005), "The Issue of National Identity in Russia Today", **IRAS Monthly**, No. 10, pp. 6-8, Available at: <https://ensani.ir/fa/article/79415/> (Accessed on: 2019/12/11), [in Persian].
- Karami, Jahangir and Roqaye Karamatinia (2016), "Russian Political Culture, Roots, Dimensions and Consequences", **Journal of Central Asia and the Caucasus**, Vol. 23, No. 99, pp. 155 – 188, Available at: https://ca.ipisjournals.ir/article_29433_2e15ca0ef6ed2b1cd901e807cb8e6588.pdf (Accessed on: 2018/12/11), [in Persian].
- Karami, Jahangir and Elaheh Karimi Riabi (2021), "Russian Culture and National Security", **Defense Policy**, Vol. 30, No. 116, pp 131-155, Available at: https://journals.ihu.ac.ir/article_206794.html (Accessed on: 2022/10/11), [in Persian].
- Klotz, Audie and Sisilia Linch (2017), **Strategies for Research in Constructivist International Relations**, Translated by: Hussein Salimi, Tehran: Ney, [in Persian].
- Koolaee, Elaheh and Farzad Kalbali (2016), **Patterns of Russian Modernity and Identical Challenges**, Tehran: Khorsandy, [in Persian].
- Markova, Maria (2020), "The Political Use of Soviet Nostalgia to Develop a Russian National Identity", Available at: <https://www.e-ir.info/2020/07/14/the-political-use-of-soviet-nostalgia-to-develop-a-russian-national-identity/> (Accessed on: 2023/09/10).

- Mojazi, Maryam (2018), National identity and its Place of Importance in Modern Russian Education, Master thesis, University of Tehran.
- Moshirzadeh, Homeyra (2005), "Structuralism as International Relations Theory", **Politics Quarterly**, No. 65, pp 113-143 Available at: <https://www.e-ir.info/2020/07/14/the-political-use-of-soviet-nostalgia-to-develop-a-russian-national-identity/> (Accessed on: 2021/01/11), [in Persian].
- Noordenbos, Boris (2016), **Post-Soviet Literature and the Search for a Russian Identity**, New York: Palgrave Macmillan.
- Noordenbos, Boris (2018), "Seeing the Bigger Picture: Conspiratorial Revisions of World War II History in Recent Russian Cinema", **Slavic Review**, Vol. 77, No. 2, pp. 441-464. (doi:10.1017/slr.2018.130)
- Norris, Stephen M. (2012), **Blockbuster History in the New Russia: Movies, Memory, and Patriotism**, Bloomington: Indiana University Press.
- Plotnikova, O.A. (2016), "The Crisis of National Self-Identification in Modern Russia", **Social Research**, No. 2, pp. 13-18, Available at: <http://iliassov.su/jsr/16/2/plotnikova-JSR-2016-2.pdf>, (Accessed on: 2020/01/11), [in Russian].
- Rodionova, N.A. (2007), "Russia between East and West: Identity Crisis", **The National Identity of Russia and the Demographic Crisis**, pp. 447-456, Available at: <https://publications.hse.ru/chapters/93691131?ysclid=m84xctxf6861639844> (Accessed on: 2020/01/11) [in Russian].
- Safari, Asgar (2024) "Othering in the "Looking to the East" Policy of the Islamic Republic of Iran and the Russian Federation", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 2, pp. 175-200 (doi: 10.22059/jcep.2024.371854.450196) [in Persian].
- Salimi, Hossein (2006), "Constructivist Attitude to National Identity in Iran", **National Studies Quarterly**, Vol. 8, No. 3, pp. 31-53 [in Persian].
- Sanaei, Mehdi (2016) **Russia: Society, Politics and Government**, Second edition, Tehran: SAMT [in Persian].

- Scot, Jean-Paul (2012), **Russia from Peter the Great to the Present Day**,
Translated by: Hamed Raziei, Tehran: Amirkabir, [in Persian].
- Shakibi, Zhand (2017), **Russia and the Politics of Occidentalism**, Tehran: IRAS [in Persian].
- Shoori, Mahmoud (2006), "The Shaping Concepts of Russian Identity", **Strategic Quarterly, Center for Strategic Research**, No. 43, pp. 147-161, Available at: https://rahbord.csr.ir/article_124255.html (Accessed on: 2020/01/11) [in Persian].
- Sobhaniyu, Hayat Ali (2003), "The Younger Generation, Identity Crisis and Ways to Prevent It, **Peyvand**, No. 305, Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/> (Accessed on: 2020/10/10).
- Soltani, Alireza and Zohreh Khanmohammadi (2021), "Russia's National Identity in the Post-Soviet Era; Change or Continuity", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 2, pp. 175-200, (doi: 10.22059/jcep.2022.331352.450032), [in Persian].
- Tsygankov, Andrei P. (2016), "Crafting the State-Civilization Vladimir Putin's Turn to Distinct Values", **Problems of Post-Communism**, Vol. 63, No. 3, pp. 146-158, (doi:10.1080/10758216.2015.1113884)
- Vartanova, Elena (2021), **Media System of Russia**, Moscow: Аспект Пресс [in Russian].